



یادداشت

جنگ مانع تحول دمکراتیک، عامل تقویت فقر و استبداد است

از مذاکرات و ادامه آتش بس تا برقراری صلح حمایت کنیم

صادق کار



روز ۱۶ اردیبهشت دوباره دونالد ترامپ از خر شیطان پایین آمد و پس از نافرجام ماندن پروژه آزادی" اش که ظاهرا به قصد بازکردن تنگه هرمز برای عبور کشتی های تجاری "کشورهای غیر درگیر درجنگ" آن را شروع کرده بود، پروژه خود را موقتا به حالت تعلیق درآورد تا بقول خودش فرصت دیگری برای ادامه مذاکرات با ایران ایجاد نماید.

متعاقب آن ترامپ خوشبینانه از احتمال یک توافق مقدماتی چند بندی با ایران در یک مهلت ۳۰ روزه خبر داد. از مجموع کنش و واکنشها و رفت و آمدهای عراقچی به کشورهای مختلف و گزارشات مختصری که از این ملاقات ها منتشر شد، هر چند نمی شود روی حرفهای رئیس جمهور امریکا و پایبندی وی به حرفهایی که می زند حساب باز کر، اما شواهد متعدد موجود نشان می دهند احتمال دست یافتن به یک توافق مقدماتی که به نظر می رسد بخشی از طرح ۱۴ بندی قبلی ایران برای مذاکرات در آن ملحوظ شده است وجود دارد.

بستن تنگه هرمز و ایجاد محدودیت شدید برای عبور و مرور کشتیرانی و پیامدهای آن و ناکامی در مذاکرات قبلی در نزدیک شدن امریکا و ایران به یک توافق محتمل نقش مهمی داشته است.

بسته نگه داشتن تنگه به هیچ روی خصوصا بعد از محاصره دریایی ایران توسط امریکا و همچنین نارضایتی گسترده کشورهای مختلف که از بابت بسته شدن تنگه و زیانهای اقتصادی و تجاری کلانی متحمل می شوند، کارکرد اولیه خود را از دست داده و اگر راه حل سیاسی مناسبی برای باز کردن آن پیدا نکنند همه ی دنیا را مقابل ایران قرار می دهد و حلقه فشار به ایران را تنگتر می کند.

این واقعیتی است که مقامات سیاسی و وزارت امور خارجه ایران نیز به نظر می رسد آن را خوب درک کرده اند و دارند در جهت باز کردن تنگه حرکت می کنند. آنان می دانند جنگ بدون بازکردن تنگه به روی عبور و مرور کشتی های غیر نظامی که تا کنون تأثیرات منفی زیادی برای مردم همه ی کشورها در بر داشته نه تنها پایان نمی پذیرد، بلکه کشورهای بسیاری در دنیا را علیه ایران با امریکا و اسرائیل همراه خواهد کرد.

جنگ کارگری

گروه کارگزاری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:373

شماره ۳۷۳

جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۸ مه ۲۰۲۴

احتمالا به همین دلیل است که سازمان بنادر و کشتیرانی ایران روز گذشته برای رفع نیازهای فنی، غذایی و دارویی کشتی های گرفتار پشت تنگه اعلام آمادگی کرد و پایان یافتن تدریجی محاصره دریایی ایران ظرف مدت یک ماه که حتمی شامل باز کردن تنگه هم باید بخشی از آن باشد در طرح مقدماتی جز دستور مذاکرات قرار داده شده. جا داشت ایران قبل از محاصره ترامپ لاقل ۱۶۰۰ کشتی متوقف شده پشت تنگه را اجازه می داد از تنگه عبور کنند تا جلوی ابتکار ترامپ و رفتن امتیاز آن به حساب ترامپ را می گرفت. در آن صورت با دست پرتری می توانست در مذاکرات شرکت کند. احتمالا وجود دو دستگی در درون حکومت باعث سوختن این امتیاز شده باشد .

در درون حکومت نحوه برخورد با جنگ و مذاکره مانند سایر مسائل مورد مناقشه است. عده ای بر تداوم جنگ تا شکست و بیرون کردن آمریکا از منطقه تاکید دارند و مذاکره را با اشاره به بد عهدی آمریکا و اسرائیل اساسا توطئه و بی فایده می دانند، اما اکثر مقامات سیاسی بر حل و فصل مناقشه از راه مذاکره اصرار دارند.

یعنی در واقع به غیر از جنگ افروزان متجاوز آمریکایی و اسرائیلی و جریان طرفدار دیکتاتوری مطلقه سلطنتی یک جناح جنگ طلب هم در کشور وجود دارد که با تفکر انحرافی خود بر تداوم جنگ تا پیروزی پای میفشارد. بخشی از دعوا البته بر سر راهکار نیست، مربوط به مبارزه ای است که بر سر کسب موقعیت و جایگاه برتر در نظام حکومتی بعد از ترور خامنه ای دارد. جریان طالب جنگ که نفوذ بالایی در درون حکومت دارد کلا به مذاکره خوشبین نیست.

از لحاظ بین المللی و موقعیت نظامی ایران تا کنون فرصت بهتری برای رسیدن به نوعی توافق متعادل با آمریکا که اینک پیش آمده وجود نداشته است. باز کردن تنگه هرگز این وضعیت را تقویت و بسته نگه داشتن تنگه موازنه را علیه ایران و به نفع آمریکا و اسرائیل تغییر می دهد.

مردم ایران بعد از مشاهده فجایع جنگ و پیامدهای آن اینک بدون اینکه بخواهند دنباله روی یکی از جناح های حکومتی بشوند و یا اهداف آزادیخواهانه خود را کنار نهاده باشند، از پایان دادن به جنگ از طریق مذاکره حمایت می کنند و می دانند جنگ آنها را از رسیدن به اهداف شان که استقرار نظام دمکراتیک همراه با عدالت اجتماعی است دور می کند

تداوم جنگ برای ایران خصوصا برای کارگران و زحمتکشان و عموم مردم ایران چنان که تا کنون هر دو جنگ اخیر به وضوح اثبات کرده اند علاوه بر کشته شدن مردم و ویرانی زیرساختها، حکم تشدید بیکاری، فقر، گرانی و تورم، رکود اقتصادی، بی حقوقی، سرکوب و اختناق را دارد. بهمین دلایل مردم بویژه طبقه کارگر و مزد و بگیر و همه ی زحمتکشان و تهی دستانی که بیشترین فشارهای جنگ روی دوش آنها سنگینی می کند، لازم و ضروری است که از تداوم مذاکرات برای پایان جنگ و رسیدن به صلح به جد حمایت کنند. علیه جنگ و جنگ طلبان و جنگ افروزان خارجی و داخلی مبارزه نمایند و از یاد نبرند مادامی که جنگ جریان داشته باشد نه تنها تحقق مطالبات اقتصادی و سیاسی و رفاهی نا ممکن است، بلکه حاکمان مسلط بر قدرت و ثروت بخش بیشتری از حقوق و حاصل مبارزاتی زحمتکشان را به نفع خود مصادره خواهند کرد، و جنگ را نیز وسیله این کار کرده و خواهند کرد. تداوم مبارزه دمکراتیک در شرایط جنگی و زیر بمب و موشک

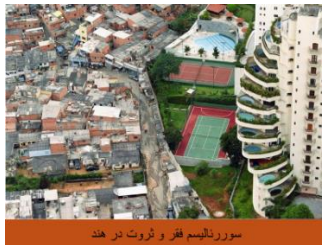


دشمن و در فضای امنیتی شبه فاشیستی توام با بیکاری و فشار شدید اقتصادی ممکن نیست. جنگ مانع تحول دمکراتیک، عامل تقویت فقر و استبداد است. از مذاکرات و ادامه آتش بس تا برقراری صلح حمایت کنیم

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!
متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

فقر و نابرابری

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



سورتناسم فقر و ثروت در هند

بخش سوم

1.2.1 برآورد فقر در هند - ادامه

(5 گروه کارشناسی تندولکار، 2009)

- در سال 2005، کمیته ای به ریاست سورش تندولکار روش برآورد فقر در هند را مورد بازبینی قرار داد و به سه مسئله اصلی پرداخت: کهنه و قدیمی شدن "سبد خط فقر"، دشواریهای تعدیل قیمتها برای تورم در مناطق و زمانهای مختلف، و این فرض که تنها دولت است که خدمات بهداشت و آموزش را ارائه می دهد.
- این کمیته تغییرات مهمی را پیشنهاد کرد؛ از جمله گذار از معیار کالری به سمت هدف گذاری بر نتایج تغذیه ای، تعیین یک خط فقر شهری یکنواخت برای کل هند، و استفاده از برآوردهای "دوره مرجع ترکیبی*" هزینه های خصوصی در حوزه بهداشت و آموزش نیز لحاظ شد و اعتبارسنجی از طریق مقایسه مصرف واقعی در نزدیکی خط فقر با هزینه های مورد انتظار یا هنجاری انجام گرفت.



- این کمیته همچنین روش جدیدی برای به روزرسانی خط فقر پیشنهاد داد که بر اساس تغییر قیمت‌ها و الگوهای مصرف، با استفاده از سبد مصرفی افراد نزدیک به خط فقر تنظیم می‌شود. بر اساس این روش، خط فقر ملی در سال ۲۰۱۱ - ۱۲ به صورت ماهانه به ازای هر نفر ۸۱۶ روپیه در مناطق روستایی و ۱۰۰۰ روپیه در مناطق شهری برآورد شد.
(کمیته رانگراجان ۲۰۱۴)
 - در سال ۲۰۱۴ کمیته رانگراجان به انتقادهای وارد شده به رویکرد تندولکار پاسخ داد و به روش استفاده از سبدهای جداگانه خط فقر برای مناطق روستایی و شهری در سراسر هند، به گونه‌ای که متناسب با نیازهای هر ایالت تنظیم شوند، بازگشت.
 - این کمیته سبدهای مصرفی متمایزی را پیشنهاد کرد که شامل نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک، آموزش، بهداشت، مسکن و ترابری بود و تأمین یک سطح توصیه شده برای تغذیه را تضمین می‌کرد. در برآورد فقر، هر سه شاخص دریافت کالری، پروتئین و چربی در نظر گرفته شدند.
 - هزینه روزانه سرانه به ۴۷ روپیه در مناطق شهری و ۳۲ روپیه در مناطق روستایی افزایش یافت، در حالی که این ارقام در قیمت‌های سال ۲۰۱۱ - ۱۲ به ترتیب ۳۲ و ۲۶ روپیه بودند.
 - هزینه مصرف ماهانه سرانه برای تعیین خط فقر در سطح ملی به میزان ۹۷۲ روپیه در مناطق روستایی و ۱۴۰۷ روپیه در مناطق شهری پیشنهاد شد.
 - با این حال، دولت تصمیم نهایی درباره پیشنهاد‌های این کمیته را اتخاذ نکرد.
- سازمان برنامه قدیم هند تا سال ۲۰۱۱ - ۱۲ آمارهای فقر را برای سال‌های مختلف منتشر می‌کرد. در سال ۲۰۱۳، با استفاده از خط فقر تندولکار، اعلام شد که ۲۱/۹ درصد از جمعیت، یعنی حدود ۲۷۰ میلیون نفر، در فقر زندگی می‌کنند. از آن زمان تا کنون، دیگر به روزرسانی رسمی درباره اندازه گیری فقر در هند منتشر نشده است.
- یک گزارش اخیر از بانک دولتی هند در سال ۲۰۲۴، نرخ کلی فقر در هند را برای سال‌های ۲۰۲۳ - ۲۰۲۲ بین ۵/۴ تا ۵ درصد برآورد کرده است.
- "دفتر ملی بررسی نمونه‌ها" نیز بر اساس داده‌های مربوط به هزینه مصرف خانوار در سال ۲۰۲۳ - ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که میزان فقر در هند اکنون به کمتر از ۵ درصد رسیده است.
- * دوره مرجع ترکیبی (Mixed Reference Period) مفهومی در علم آمار و روش‌های آمارگری - به ویژه در حوزه‌های اقتصاد خرد و مطالعات مصرف خانوار - است که برای بهبود دقت داده‌ها درباره هزینه‌ها یا مصرف خانوارها به کار می‌رود. ایده اصلی آن این است که به جای استفاده از یک دوره زمانی واحد (مثلاً یک هفته یا یک سال) برای ثبت قیمت همه انواع کالاها و خدمات، از دوره‌های زمانی متفاوت و متناسب با ماهیت هر نوع هزینه استفاده شود.



در روشهای سنتی، معمولاً از یک "دوره مرجع یکسان (Uniform Reference Period)" استفاده می‌شود؛ یعنی از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود که کل هزینه‌های خود را مثلاً در ۳۰ روز گذشته گزارش کنند. اما این روش یک مشکل اساسی دارد: همه کالاها الگوی خرید یکسان ندارند. برخی اقلام مانند مواد غذایی مدام (روزانه یا هفتگی) خریداری می‌شوند، در حالی که برخی دیگر مانند لوازم خانگی یا پوشاک ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها یکبار خریداری شوند. در نتیجه، اگر برای همه اقلام یک دوره کوتاه در نظر گرفته شود، هزینه اقلام کم‌تکرار کمتری از مقدار واقعی برآورد می‌شود. برعکس، اگر دوره بسیار طولانی باشد، دقت یادآوری برای اقلام پرتکرار کاهش می‌یابد.

دوره مرجع ترکیبی برای حل این مسئله طراحی شده است. در این روش برای کالاهای پرتکرار (مثل خوراک) از یک دوره کوتاه استفاده می‌شود، و برای کالاهای کم‌تکرار و بادوام (مثل مبلمان یا لوازم الکترونیکی) دوره‌ای بلندتر در نظر گرفته می‌شود.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته‌های همیاری را در محل‌های کار و محلات تشکیل دهیم!

زنان سرپرست خانوار، بدون پشتوانه و آینده

بهبود فدايي



بخش نخست

بررسی کلی

مقدمه

زنان سرپرست خانوار یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه ایران هستند که به دلایلی همچون طلاق، فوت همسر، اعتیاد، زندانی بودن یا ازکارافتادگی همسر، مسئولیت تأمین معیشت خانواده را به تنهایی بر عهده دارند. افزایش روزافزون تعداد این زنان در سال‌های اخیر، توجه به وضعیت آنها را به یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی تبدیل کرده است. این گزارش با هدف بررسی جامع وضعیت این قشر از منظر آمار، اشتغال، تحصیلات، حمایت‌های قانونی، مقایسه با مردان و پیامدهای جنگ اخیر تنظیم شده است



فصل اول: آمار و دموگرافی زنان سرپرست خانوار

بر اساس آخرین اعلام رئیس سازمان بهزیستی کشور، جمعیت کل زنان سرپرست خانوار در ایران ۶.۵ میلیون نفر است که از این تعداد، حدود ۳۰۰ هزار نفر تحت پوشش مستقیم سازمان بهزیستی قرار دارند و خدمات دریافت می‌کنند. نکته قابل توجه این است که سالانه حدود ۲۰ درصد به تعداد بانوان سرپرست خانوار تحت پوشش اضافه می‌شود و همچنین ماهانه حدود هزار نفر متقاضی جدید به این جمعیت افزوده می‌شوند که نشان‌دهنده رشد سریع این پدیده اجتماعی است. آمارهای ذکر شده به خوبی گویا وضعیت فاجعه بار این زنان است.

از نظر ترکیب وضعیت تأهل، ۳۶ درصد از زنان سرپرست خانوار مطلقه، ۲۶ درصد همسر فوت شده و ۲۰ درصد دارای همسر ازکارافتاده، زندانی، معتاد یا متواری هستند. همچنین ۴۲ درصد این زنان، زن تنها هستند و به تنهایی زندگی می‌کنند.

۴۴ درصد از این زنان در بازه سنی ۳۳ تا ۵۰ سال قرار دارند و ۷۰ درصد در مناطق شهری و ۳۰ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. دهک اقتصادی آن‌ها به طور میانگین ۳.۵ است که در مقایسه با دهک مردان (۵.۵) وضعیت بسیار نامناسب‌تری را نشان می‌دهد.

در مجموع حدود ۸۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار، فرزندان آنان و خانواده‌های چندقلو تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند. همچنین ۲۵۹ هزار فرزند از این خانوارها مستمری دریافت می‌کنند با توجه به آمار رسمی اعلام شده بیش از هشتاد درصد زنان سرپرست خانوار از کمک محروم هستند و مسئول تأمین مایحتاج زندگی خود و خانواده هستند.

فصل دوم: سطح سواد و تحصیلات

یکی از چالش‌های اساسی زنان سرپرست خانوار، سطح پایین سواد و تحصیلات است که مستقیماً بر فرصت‌های شغلی و توانمندی اقتصادی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

بر اساس آمار سازمان بهزیستی از جمعیت هدف ۲۸۳ هزار و ۶۰۴ نفر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش:

• سی درصد (۸۸ هزار و ۱۰۸ نفر) بی‌سواد هستند

• حدود پنجاه درصد زیر دیپلم هستند

• یک درصد فوق‌دیپلم دارند

• تنها دو درصد دارای مدرک لیسانس هستند

این آمار نشان می‌دهد که در حوزه سوادآموزی زنان سرپرست خانوار برنامه‌ای خاص و هدفمند وجود نداشته است و بی‌سوادی در این گروه در سال‌های اخیر تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. مدیرکل دفتر توانمندسازی زنان و خانواده سازمان بهزیستی با تأکید بر اهمیت سواد در ارتقای کیفیت زندگی این زنان



گفت: «زن باسواد مادر بهتری است، در مهارت‌های فنی و حرفه‌ای سریع‌تر رشد می‌کند، سواد مالی بالاتری دارد و نظارت مؤثرتری بر تحصیل و رفتار فرزندان خود خواهد داشت.»

نکته مهم دیگر این است که بیشتر زنان بی‌سواد یا کم‌سواد در دهک‌های پایین اقتصادی جامعه قرار دارند و بسیاری از آنان از ابتدا با همین وضعیت وارد چرخه حمایتی سازمان می‌شوند.

فصل سوم: وضعیت اشتغال و مشاغل رایج

زنان سرپرست خانوار به دلیل سطح پایین تحصیلات، نداشتن مهارت‌های تخصصی و محدودیت‌های اجتماعی، عمدتاً به مشاغل غیررسمی، کم‌درآمد و ناپایدار اشتغال دارند. عمده‌ترین مشکلات آنها در حوزه اشتغال عبارت است از:

• درآمد ناکافی و اغلب ناپایدار

• اشتغال در مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد

• دشواری در تأمین هزینه‌های ضروری مانند آموزش فرزندان و مسکن

بسیاری از این زنان به سمت شغل‌های کاذب مانند دست‌فروشی گرایش پیدا می‌کنند و این به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب و موانع ساختاری است. دلیل اصلی اشتغال آنها نیز اغلب رفع کمبودهای مالی، اعتیاد همسر، بیماری همسر و موقعیت‌های سخت شغلی است.

حدود نیمی از این زنان فاقد هرگونه پوشش بیمه هستند و بسیاری از آنها در مشاغل فاقد بیمه فعالیت می‌کنند که این امر در شرایط بحرانی مانند جنگ، آنها را بیش از پیش آسیب‌پذیر می‌کند. به گفته یکی از اعضای شورای شهر تهران، «زنان امروز با بیش از ۱۲۰ نوع آسیب اجتماعی مواجه هستند؛ آسیب‌هایی که هر روز پیچیده‌تر می‌شوند و در این میان، مسأله اقتصاد و معیشت بیش از همیشه آنها را در تنگنا قرار داده است.»

فصل چهارم: مشکلات و محدودیت‌های شغلی

زنان سرپرست خانوار با مجموعه پیچیده‌ای از چالش‌ها و محدودیت‌ها در حوزه اشتغال روبرو هستند که به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

مشکلات اقتصادی و معیشتی: درآمد ناکافی و اغلب ناپایدار اصلی‌ترین چالش این زنان است. حدود ۴۳.۳ درصد از کل خانوارهای زن‌سرپرست در دو دهک اول درآمدی قرار دارند و در معرض فقر مطلق هستند.

مشکلات مسکن: نداشتن مسکن یا مسکنی که کیفیت مناسبی نداشته باشد، یکی از بزرگترین مشکلات این زنان است. هزینه‌های درمانی و موضوع وثیقه و ضامن برای دریافت وام‌های اشتغال نیز از موانع پیش روی آنها است.



مشکلات اجتماعی و روانی: زنان سرپرست خانوار به دلیل برچسب‌های اجتماعی مانند برچسب بی‌آبرویی، کمتر در جامعه ظاهر می‌شوند که این انزوای اجتماعی، دسترسی آن‌ها به منابع حمایتی را دشوار می‌کند. فشار روانی ناشی از مسئولیت‌های دوگانه (همسر و نان‌آور) نیز از دیگر چالش‌های اساسی است.

محدودیت‌های قانونی و ساختاری: عدم آمادگی برای اداره امور اقتصادی خانوادگی، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زنان سرپرست خانوار و نبود قانون حمایتی خاص و جامع برای این قشر، از جمله موانع اصلی به شمار می‌روند.

فصل پنجم: مطالبات زنان سرپرست خانوار

زنان سرپرست خانوار مطالبات متعددی دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از

حمایت‌های معیشتی پایدار: مستمری فعلی برای تأمین نیازهای اولیه خانواده کافی نیست. به عنوان نمونه، خانواده تک‌نفره ماهانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و خانواده پنج‌نفره و بیشتر چهار میلیون تومان مستمری دریافت می‌کنند که در شرایط تورمی کنونی بسیار ناکافی است

تأمین مسکن مناسب: مسکن به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این زنان مطرح است. دولت مصوباتی برای کمک به تأمین مسکن زنان سرپرست خانوار در دهک‌های یک تا شش درآمدی داشته است.

وام‌های اشتغال و خودکفایی: دولت وام ۳۰ تا ۱۰۰ میلیون تومانی به زنان سرپرست خانوار پرداخت می‌کند، اما شرط ضامن و وثیقه و فرآیند پیچیده دریافت وام از موانع جدی پیش روی آن‌ها است

بیمه درمانی و اجتماعی: با توجه به اینکه حدود نیمی از این زنان فاقد بیمه هستند، بیمه شدن یکی از اصلی‌ترین مطالبات آن‌ها است. خوشبختانه تمام زنان سرپرست خانوار روستایی تحت پوشش بیمه روستایی و عشایری هستند و تاکنون تنها حدود ۳۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار شهری تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند.

آگاهی از حقوق قانونی و دسترسی آسان به خدمات قضایی: بسیاری از زنان از حقوق قانونی خود بی‌خبرند و به دلیل پیچیدگی فرآیندهای قضایی و نبود حمایت کافی از پیگیری حقوقشان صرف‌نظر می‌کنند.

فصل ششم: سطح حمایت قوانین و سیاست‌های حمایتی

قوانین موجود چهارچوب اصلی حمایت از زنان سرپرست خانوار در ایران، «قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست» مصوب ۱۳۷۱ است که طبق آن نهادهایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی موظف به ارائه خدمات حمایتی هستند. همچنین بر اساس این قانون، دولت مکلف است در راستای حمایت مالی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، خدماتی به آن‌ها ارائه دهد.

با این حال، قانون حمایتی خاصی که بتواند حمایت ویژه‌ای از این زنان داشته باشد، وجود ندارد. یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس در این باره گفته است: «حوزه زنان سرپرست خانوار معفول واقع شده



است به نحوی که قانون حمایتی خاصی برای زنان سرپرست خانوار نداریم» و «تنها مبالغ بسیار پایین و قطره‌چکانی به صورت ماهانه به این زنان کمک می‌شود.»

کاستی‌ها و خلأهای قانونی

نکته مهمی که کارشناسان به آن اشاره می‌کنند، این است که علیرغم افزایش بودجه، هنوز یک قانون جامع و اختصاصی برای حمایت ویژه از زنان سرپرست خانوار وجود ندارد. بسیاری از حمایت‌های موجود، ناکافی و پراکنده است و نیاز به یک رویکرد سیستماتیک و منسجم احساس می‌شود. در قوانین برنامه‌های توسعه (چهارم، پنجم و ششم) طرح‌هایی برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مطرح شده، اما تاکنون با پایان یافتن دوره اجرایی این برنامه‌ها، نتیجه ملموسی حاصل نشده است.

فصل هفتم: مقایسه وضعیت زنان با مردان سرپرست خانوار

نابرابری‌های ساختاری بین زنان و مردان در جامعه مردسالار که بر قوانین مذهبی استوار است، وضعیت زنان سرپرست خانوار را به مراتب دشوارتر از مردان در موقعیت مشابه می‌سازد:

دهک اقتصادی: دهک اقتصادی زنان سرپرست خانوار به طور میانگین ۲.۵ است در حالی که دهک مردان ۵.۵ است. این اختلاف دو واحدی نشان‌دهنده فاصله قابل توجه در رفاه اقتصادی و معیشتی بین این دو گروه است.

فرصت‌های شغلی: نرخ مشارکت اقتصادی مردان ایرانی در بازار کار تقریباً پنج برابر زنان است و بازار کار ایران از نظر نابرابری جنسیتی در وضعیت نامناسبی قرار دارد. به طور کلی، میزان اشتغال و کار دستمزدی زنان بسیار کمتر از مردان است و اشتغال زنان متزلزل و ناپایدارتر از مردان است.

سرمایه‌های معیشتی: زنان سرپرست خانوار در چهار حوزه بسترهای آسیب‌زا، انواع سرمایه‌های معیشتی، فرایندها و ساختارها و استراتژی‌های معیشتی، با چالش‌های بیشتری نسبت به مردان مواجه هستند.

بار تکفل: بار تکفل خانوارهای زن سرپرست بیش از خانوارهای مرد سرپرست است، زیرا این زنان علاوه بر تأمین معیشت، مسئولیت تربیت فرزندان و مدیریت خانه را نیز به تنهایی بر عهده دارند.

سطح سواد: زنان سرپرست خانوار از سطح سواد کمتری نسبت به مردان سرپرست خانوار برخوردارند و این تفاوت تأثیر مستقیمی بر فرصت‌های شغلی و توانمندی اقتصادی آنها دارد.

سهم در دهک‌های پایین: در دهک یک (فقرترین دهک) حدود ۴۵ درصد از سرپرستان خانوار، زنان هستند؛ در دهک دو، ۲۲.۴ درصد؛ در دهک سوم، ۱۶.۹ درصد؛ در دهک چهارم به بعد این سهم به تدریج کاهش می‌یابد.

فصل هشتم: پیامدهای جنگ اخیر برای زنان سرپرست خانوار

جنگ اخیر (نیمه اول سال ۱۴۰۴) (تأثیرات ویرانگری بر زندگی زنان سرپرست خانوار داشته است

جنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:373

شماره ۳۷۳

جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۸ مه ۲۰۲۴

تلفات انسانی: بر اساس گزارش‌ها، در حدود ۳۰ زن سرپرست خانوار در جنگ به شهادت رسیده‌اند و فرزندان آن‌ها در سیستم بهزیستی قرار داده شده‌اند. کل تلفات غیرنظامیان ایرانی در ماه اول جنگ، ۱,۴۶۴ نفر شامل حداقل ۲۱۷ کودک بوده است. همچنین حداقل ۲۴,۸۰۰ نفر زخمی شده‌اند که حدود ۴,۰۰۰ نفر آنان زن بوده‌اند

آوارگی: حدود ۱.۶ میلیون زن و دختر در ایران به دلیل جنگ آواره شده‌اند و وضعیت زنان آواره نسبت به مردان در موقعیت مشابه، شکننده‌تر است؛ زیرا آن‌ها در معرض خشونت، بهره‌کشی و خشونت مبتنی بر جنسیت بیشتری قرار دارند.

از بین رفتن فرصت‌های شغلی: شرایط جنگ اختلال، تعلیق یا توقف کامل ۲,۹۷۵ فرصت شغلی برای زنان سرپرست خانوار را به دنبال داشته است. با توجه به اینکه اکثریت این زنان در مشاغل غیررسمی و خانگی (بافتنی، خیاطی، تولیدات غذایی) فعالیت می‌کردند، جنگ با تعطیلی بازارهای فروش، اختلال در زنجیره تأمین و کاهش تقاضا، کسب و کار آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

فشار اقتصادی مضاعف: جنگ بسیاری از دستاوردهای زنان در مسیر برابری جنسیتی را از بین برده و فرصت‌هایی را که در زمان صلح برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی داشتند، نابود کرده است. در تهران به تنهایی، بیش از ۶۰ درصد از حدود ۲۰۰,۰۰۰ زن سرپرست خانوار شناسایی شده با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و شرایط جنگ آن‌ها را بیش از دیگران در معرض سقوط به فقر مطلق قرار داده است.

اختلال در خدمات بهداشتی: جنگ دسترسی زنان و دختران به خدمات بهداشت باروری را محدود کرده، مرگ و میر مادران را افزایش داده و منجر به بارداری‌های ناخواسته و سقط‌های نایمن شده است.

نتیجه‌گیری

وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران با چالش‌های عمیق و چندلایه‌ای روبرو است. وجود ۶.۵ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور که نزدیک به نیمی از آن‌ها فاقد بیمه و بیش از ۳۰ درصد آن‌ها بی‌سواد هستند، یک بحران اجتماعی و اقتصادی جدی محسوب می‌شود. جنگ اخیر نیز با تلفات انسانی، آوارگی گسترده و از بین رفتن هزاران فرصت شغلی، فشار مضاعفی بر این قشر آسیب پذیر وارد کرده است و هیچ چشم انداز روشنی وجود ندارد

گرامی باد اول ماه روزاتحاد وهمبستگی کارگران جهان

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم‌های اقتصادی را مردم می‌پردازند، ما مخالف جنگ و

تحریم‌های اقتصادی فقرآور هستیم!



بیمه بیکاری نا کار آمد نتیجه تبانی و عملکرد حکومت و کارفرمایان است

صادق



قانون و آیین نامه بیمه بیکاری در ایران به مانند اکثر قوانین کار به نحوی تنظیم شده است که عبور از آنها برای کسانی که بطور ناخواسته شغل خود را از دست می دهند، حکم گذر از هفت خوان رستم را دارد. زمانی که بطور ناگهانی مانند امروز صدها هزار کارگر در اثر جنگ کار خود را از دست می دهند گرفتن حقوق بیکاری بسیار سخت تر می شود.

آمار درستی هیچوقت از هیچ چیز در ایران به غیر از مواردی که به نفع دستگاه های دولتی و روسای آنهاست داده نمی شود. در مورد آمار بیکاران و کسانی که به آنها حقوق بیکاری تعلق می گیرد و اینکه چه کسانی حقوق بیکاری می گیرند نیز آمار موثقی داده نمی شود.

طبق قانون بیمه بیکاری اولین شرط پرداخت حقوق بیکاری به کسانی که بطور ناخواسته شغل خود را از دست می دهند، ارسال تقاضای دریافت حقوق دوران بیکاری حداکثر تا یک ماه بعد از بیکاری است.

اینکه که تعداد زیادی از کار اخراج شده اند مدت ثبت نام به دلیل کثرت متقاضی به سه ماه افزایش پیدا کرده. با این حال این اقدام به نظر می رسد بیشتر به منظور سرگرم کردن انبوه بیکارانی است که دستگاه های اداری برای سرگرم کردن آنها مهلت ثبت نام را طولانی تر کرده اند. بطوری که با وجود تصویب مدت تقاضا از یک به سه ماه مسئولین حتی از اطلاع دادن رسمی تصمیم شان خودداری کرده اند.

البته در مواردی نیز اعمال سلیقه جای اجرای قانون را می گیرد. اکثر کارفرمایان نیز برای اینکه سهم حق بیمه خود را کمتر بدهند، عناوین شغلی و دستمزد واقعی را برای بیمه رد نمی کنند. حقوق بیکاری نیز از آنجا که بر اساس دستمزد دوران اشتغال محاسبه می شود، حقوقی که به کارگر در دوران بیکاری داده می شود بر اساس حداقل دستمزد محاسبه می شود. هم اکنون این موضوع به مشکلی برای بیکار شدگان تبدیل شده و حقوقی که به آنها پرداخت می شود آنقدر ناچیز است که کفاف خورد و خوراک اولیه خانواده ها را نمی دهد.

تامین اجتماعی این را نیز می داند، اما نه تنها اقدامی برای رفع این تقلب آشکار کارفرمایان نمی کند، بلکه پاره ای اوقات خود هم با یک تقلب ثانویه در حق کارگر بخش دیگری از حقوق دوران بیکاری او را کم می کنند. البته این تقلب را کارمندان تامین اجتماعی سرخود و از روی میل نمی کنند، دستور مدیران را اعمال می کنند. بعد از اعتراضاتی که در این خصوص شد خبرگزاری ایلنا نوشت: یک کارشناس حوزه روابط کار، نسبت به ابلاغ نشدن دستورالعمل جدید وزارت کار در سامانه های این وزارتخانه انتقاد کرد.



"آرمین خوشوقتی (کارشناس روابط کار) با اشاره به مشکلات هیات‌های سازمان تامین اجتماعی در رسیدگی به دعاوی و جرائم ناشی از مغایرت عناوین شغلی نیروی کار، خبر داد: پس از انتشار گزارش خبرگزاری ایلنا مبنی بر اینکه «برخی شعب سازمان تامین اجتماعی با اقداماتی سلیقه‌ای، مدت پرداخت بیمه بیکاری و مبلغ پرداخت را تغییر می‌دهند. خوشبختانه با نشر این خبر، با تدبیر مسئولان تامین اجتماعی، دستورالعملی مبنی بر حمایت از بیمه بیکاری ابلاغ شد». از اظهارات این کارشناس چنین بر می‌آید که اگر ایلنا این تقلب را فاش نمی‌کرد، تقلب ادامه پیدا می‌کرد. اما عجیب‌تر این است که با وجود ابلاغیه به ادارات ذیربط به گفته این کارشناس آنها تا کنون از اجرای آن خودداری کرده‌اند! "خوشوقتی ادامه داد: با وجود این دستور و تایید این دستورالعمل، متأسفانه سامانه وزارت کار برای کسانی که به منظور دریافت بیمه بیکاری مراجعه می‌کنند، هنوز در چهارچوب این دستورالعمل بروزرسانی نشده است. در دستورالعمل جدید آمده است «در شرایط جنگی فعلی، کسانی که از نهم بهمن به بعد بیکار شدند، مهلت‌شان از یک‌ماه به ۹۰ روز افزایش یافته است".

با این اوصاف این پرسش مطرح است که چرا دستگاه‌های متصدی این امور همچنان حتی از دادن اطلاع افزایش مدت تقاضای حقوق بیکاری خودداری می‌کنند. از مجموع گزارشاتی که در ارتباط با بیمه بیکاری بعد از اخراج‌های گسترده در دوره جنگ منتشر شده معلوم می‌شود که صندوق بیمه بیکاری مفلستر از آن است که بتواند تقاضاهای انبوه بیکاران را پاسخ دهد، به همین جهت برای دفع متقاضیان به روش‌های مختلف متوسل می‌شود.

اما علت افلاس صندوق چیست؟ علت روشن است، اکثر کارفرمایان از پرداخت سهم حق بیمه به صندوق بیکاری و اساساً بیمه کردن کارگران خودداری می‌کنند و مبلغ ورودی مالی به صندوق بطور مرتب کمتر می‌شود. وزارتخانه کار نیز که وظیفه نظارت بر اجرای قوانین کار را دارد در عمل از انجام وظیفه خود طفره می‌رود.

متأسفانه فقط در مورد صندوق بیمه بیکاری نیست که کارفرمایان از بیمه کردن کارگران خود طفره می‌روند. در خصوص بیمه عادی نیز ماه به ماه بر تعداد کارفرمایانی که از رد کردن سهم حق بیمه خود به تامین اجتماعی امتناع می‌کنند بیشتر می‌شود و اکثر آنها نیز که حق بیمه کارگران خود را پرداخت می‌کنند، حق بیمه‌ها را نه براساس دستمزدهای واقعی، بلکه بر اساس حداقل دستمزد پرداخت می‌کنند.

این در حالی است که تامین اجتماعی به دلیل همین کارها و به علت بدهی‌های نجومی دولت، بیمه نکردن کارگران و واگذاری منابع درآمد زای تامین اجتماعی هر سال که می‌گذرد بخشی از خدمات خود را کاهش می‌دهد، حقوق‌های بازنشستگی را کم می‌کند و یک قدم به سوی ورشکستگی بر می‌دارد.

حکومت غارتگر هم برای نپرداختن دیون نجومی خود با امتناع از بیمه کردن کارگران، افزایش سن بازنشستگی، کاهش حقوق بازنشستگی و افزایش سهم کارگران از دارو و درمان، سعی می‌کند تامین اجتماعی را از میان تهی کند.

جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:373

شماره ۳۷۳

جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۸ مه ۲۰۲۶

اخیرا نیز مجلس بفرآیند افتاده است با استفاده فرصت طلبانه از شرایط جنگی و تشدید فضای اختناق و سرکوب سهم حق بیمه کارفرمایان را کاهش و سهم کارگران را برای جبران کاهش سهم سرمایه داران افزایش دهد.

همان کارفرمایانی که از دادن سهم بیمه خود و بیمه بیکاری طفره می رفتند، بلافاصله به محض شروع جنگ شروع به فرستادن کارگران خود به سوی صندوق بیمه بیکاری کردند.

نتیجه این شده که با وجود بیکاری صدها هزار کارگر بنا به ادعای مسئولین ذیربط تنها ۱۴۷ هزار کارگر تحت پوشش حقوق بیکاری اندک قرار گرفته‌اند و بقیه بدون هیچ درآمدی به حال خود رها شده‌اند.

این وضعیت فاجعه بار نتیجه تبانی و زدوبند مقامات فاسد حکومتی با سرمایه داران رانتخوار، از بین بردن قوانین حمایتی، چپاول منابع درآمدی تامین اجتماعی، سرکوب تشکلهای مستقل کارگری و استقرار مناسبات استبدادی برده دارانه در دوران مدرن توسط حکومتی است که با ادعای برقراری عدالت و آزادی و محرومیت زدایی از محرومان به قدرت رسید و با غارت منابع و درآمدهای کشور سه چهارم مردم کشور و بیشتر از همه محرومترین ها را محتاج نان شب شان کرد.

این که ادعا می کنند پول برای پرداخت حقوق بیکاری ندارند دروغ بزرگی است. پول و ثروت هنگفتی در این کشور ثروتمند و غنی با وجود غارتهای همه ساله مقامات حکومتی وجود دارد، اما حقوق و معاش زحمتکشان برایشان اولویت نداشته و ندارد. ثروت انبوهی تحت عنوان انفال که اختیار آن در دست ولی فقیه است وجود دارد که در واقع متعلق به مردم است که باید به بخش عمومی منتقل شود و صرف رفاه مردم و توسعه کشور شود، اما در راهی که باید صرف نمی شود. اکنون که کشور به این ثروت هنگفت نیاز دارد باید این ثروت صرف از بین بردن فقر و فلاکتی بشود که این رژیم برای مردم کشور بوجود آورده است. صرف پوشش بیمه و تامین اجتماعی عمومی، پرداخت حقوق بیکاری به بیکاران، ساخت مسکن اجتماعی، توسعه آموزش و درمان رایگان و رفاه مردم شود. این ها هیچکدام اموری محال نیستند. همه شان دست یافتنی هستند که تنها در اثر مبارزه متحدانه و سازمان یافته بدست می آیند. مبارزه‌ای که اگر انجام نگیرد سال به سال آفرینندگان اصلی ثروت بیشتر در فقر و فلاکت فرو می روند. گمانم این واقعیت تلخ را تجربه خود کارگران در حکومت عدل اسلامی به همه ی ما نشان داده باشد!

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می کنیم!

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده و گسترده باد اتحاد و همبستگی کارگران!



گزارش رویداد ۲۴:
تنها دو هزار نفر از ۲۷ هزار نیروی
کار فولاد مبارکه به کار بازگشتند

تنها ۲ هزار نفر از ۲۷ هزار نیروی کار فولاد مبارکه به کار بازگشتند

پس از حملات آمریکا و اسرائیل به فولاد مبارکه اصفهان، از بیش از ۲۷ هزار نیروی این مجموعه تنها حدود دو هزار نفر، عمدتاً در بخش‌های اداری و مدیریتی، به محل کار بازگشته‌اند و بخش تولید همچنان در توقف به سر می‌برد.

بر اساس این گزارش، بخشی از کارگران و نیروهای سابق فولاد مبارکه پس از توقف تولید، به رانندگی در اسنپ و تپسی روی آورده‌اند و برخی نیروهای فنی به دلیل کاهش حقوق یا بلا تکلیفی در روند بازسازی، به کارخانه‌های فولاد یزد و خراسان مهاجرت کرده‌اند.



یادی از یک قهرمان بزرگ فراموش شده! یادی از صمدی دیگر،

یادی از رفیق صمد اسلامی طاهری

در این اول ماه مه، یادی می‌کنیم از یک سازمانده بزرگ جنبش کارگری، از رزمنده ای خستگی ناپذیر، رفیق صمد اسلامی طاهری، که پس از عمری مبارزه در راه خوشبختی طبقه کارگر و توده زحمتکش تهیدست، در تابستان سال 1367 بدست جلادان رژیم ایران تیرباران شد.

صمد در سال 1332 در تبریز، در خانواده ای زحمتکش و در محله ای زحمتکش نشین دنیا آمد، در دانشگاه علم و صنعت درس خواند. در جستجوی راه رهایی انسان از فقر و تهیدستی و جهل و ... به ضرورت «سوسیالیسم» رسید به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و از مسئولان آن شد.

صمد در کنار فعالیتهای گسترده دیگرش، باقتضای محیطی که در آن پرورش یافته بود و با علم به نقش توده زحمتکش، توجه و دلبستگی ویژه ای به جنبشهای زحمتکشان و کارگران داشت و درین عرصه رنجهای برد و کارها کرد



....یکی از فرازهای بزرگ زندگی صمد در سالهای پیش از انقلاب، نقش برجسته او در «جنبش خارج از محدوده» تهران است. در سال 56- که جنبش زحمتکشان مناطق خارج از محدوده تهران آغاز شد، صمد در راس آن قرار داشت. بخش عمده کتاب «گزارشاتی از مبارزات مردم خارج از محدوده» که پس از انقلاب از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» انتشار بیرونی یافت، توسط صمد تهیه شده بود.

.....زمانی که در محله شمیران نو نارمک، چند تن از زحمتکشان برای مبارزه با عوامل شاه - که قصد تخریب خانه ها را داشتند- شبی در خانه ای هم قسم شده شدند، رهنمودها را با واسطه ای از صمد می گرفتند.

در جنبش محله های کاظم آباد، شمس آباد و محله مجیدیه، صمد شخصا در راس جنبش بود. تمام نامه هایی که زحمتکشان این محلات به شهرداری و شاه نوشته اند، توسط صمد اسلامی نوشته شده اند.

روزی که مردم محله کاظم آباد شمس آباد به کاخ نیاوران رفتند، پس از حدود 200 متر پیاده روی در نزدیکی کاخ، مامورین رژیم اخطار کردند که اگر قدمی دیگر برداشته شود شلیک خواهند کرد، صمد آنجا جلوی صف بود. مردم از او خواستند که به عنوان نماینده شان با رژیم شاه مذاکره کند، ولی به توصیه او همه پذیرفتند که فردی را به عنوان نماینده معرفی نکنند

....صمد که از مدتها پیش با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مربوط بود، هنگامی که در اوایل سال ۱۳۵۶، توسط رفیق زنده یاد رحیم اسداللهی (علی چریک) شخصا به یکی از رهبران سازمان معرفی شد، شبکه وسیعی از فعالین دانشجویی و کارگری از تهران و تبریز و تعداد دیگری از شهرها را سازمان داده بود.

...در آن سالها، نخستین هسته های کارگری در کارخانجات تبریز را نیز او سازمان داد. اعتصابات کارگری سال 57 در کارخانجات بزرگ تبریز- که با رهبری فدائیان صورت گرفت- با سازماندهی و نقش او بود. تظاهرات اول ماه مه در تبریز در سالهای 58 و 59 و ... و همچنین "جلسات کارگری" مشهور تبریز در آندوران نیز از یادگارهای اوست. صمد مسئول کمیته شهر تبریز و مسئول شعبه تشکیلات شاخه آذربایجان فدائیان بود. توجه ویژه او به جنبش کارگری، او را رهبر محبوب کارگران پیشرو تبریز تبدیل کرد. صمد را پدر جنبش کارگری آذربایجان در آن سالها نامیده اند. این را بی سبب نگفته اند که "صمد برآستی خود به تنهایی یک حزب بود."

.....صمد اسلامی پس از ضربات سال 62، برای حفظ سازمان و رفقاییش از جان مایه گذاشت. پس از خروج اکثریت رهبری سازمان، از جمله چند رفیقی بود که در ایران ماند. صفاتی داشت که او را مبارز روزهای سخت کرده بود. او در این دوران، یکی از مسئولان تشکیلات مخفی سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت در داخل و ... بود و علاوه بر وظایف دیگر، با همکاری رفیقی دیگر (طهماسب وزیری)، مسئول سازماندهی گروههای مخفی فدائیان در شهرستانها (ایالات غیر از تهران) را بعهده داشت. مرکز امنیتی رژیم به نقش او پی برده بود. صمد بارها از چنگ جلادان رژیم گریخت و سرانجام پس از مدتها تعقیب و گریز، در اثر تلاشهای بی وقفه مامورین رژیم و خیانت خائنی بنام کاوه، در 29 بهمن سال 62 به چنگ جلادان افتاد. می دانستند اسیرشان شخصیت کلیدی در سازماندهی و رهبری سازمانهای مخفی فدائیان در ایران آنروزهاست. هر شکنجه ای را بر روی او آزمودند و صمد از آنها اسرار بسیار یکی را به دشمن نداد.



صمد اسلامی طاهری در زندانهای رژیم از سرافرازان پابرجا و از سمبلهای مقاومت بود. او پیشتر - پس از آن مصاحبه های تلویزیونی و آن فضا - بارها و بارها گفته بود: باید به رژیم نشان دهیم که "افسانه پیچ اوین" پوچ است و شکنجه گران نخواهند توانست عزم و مقاومت ما فدائیان را درهم شکنند. او خود از مصادیق وفا به این عهد بود.

صمد می دانست که دشمن مدام در پی اوست. هرچند امکان خروج بسیاری از همزمان در خطر را از کشور فراهم کرد، ولی خود آگاهانه و سرسختانه ماند. سرانجام دستگیر شد و در تابستان سال 67، دوشادوش دلاوران دیگر، سرافرازان در راه آزادی و عدالت، در راه توده زحمتکش و طبقه کارگر به خون غلتید. بسیاری از جان بدر بردگان از شکنجه و تیرباران، زندگی خود را مدیون جانفشانیهای صمد و چند رفیق مسئول دیگر در آن سالهای خونین اند. افسوس که درین سی و اندی سال کسی از او چیزی ننوشت. گویی هرگز نبوده است .

در این اول ماه مه، یاد این انسان کمونیست، سازمانگر خستگی ناپذیر، پرکار، شجاع، فروتن و مردمی فراموش شده را نیز گرامی بداریم!

پس از آنکه خبر تیرباران صمد نیز آمد، در کنار نوشته هایی دیگر درباره رفقای شهید، با تصمیم هیئت تحریریه "کار"، نوشته ای نیز در صفحه اول آن روزنامه با عنوان «قهرمان خلق، صمد اسلامی» منتشر شد. و دیگر درین سی و سه سال کسی «هیچ جا نگفت و هیچ جایی ننوشت که او جوان افتاد». نمی دانم! چه بسا آن موضوع «مرکز و حاشیه»، بطور خودکار درباره شهیدان نهضت آزادی و عدالتجویی نیز عمل می کند. با اینحال در طول این همه سال صمد هرگز از خاطر من نرفت. جمع آوری خاطرات همزمان و دوستان صمد درباره او، دغدغه مدام من بوده است. اکنون پس از سالها، عزم نوشته ای مبسوط درباره صمد کرده ام. از همه رفقا خواهش می کنم با ارسال دانسته ها، تدقیق ها و خاطرات خود از او، مرا یاری کنند. نگذاریم یاد قهرمانان جان باخته راه آزادی و عدالت، راه بهروزی توده زحمتکش و طبقه کارگر ایران در گردها زمانه از خاطره ها فراموش شود. چنین مباد که قهرمانانی چون صمد فراموش کرده شوند ولی.....

زنده نگاهداشتن نام و یاد و تلاشهای این «فداکاران فراموش شده» وظیفه ماست. تجلیل از مبارزان آزادی و عدالت، تجلیل از آزادی و عدالت است.....

و فراموش نکنیم که جانباختگان آزادی و عدالت- صرفنظر از اینکه عضو کدام سازمان و جریانی بوده اند،-رفقای ما و شهیدان راه خوشبختی مردم تهیدست زحمتکش رنج دیده، راه بهروزی همه مردم اند، آنها همه رفقای ما بودند. قدرانشان باشیم .

منبع فیسبوک: سیروس مددی



بنا به آخرین گزارش آکسفام، هرگز جهان چنین دوپاره از فقر و تبعیض در شیب تثبیت نابرابری نبوده است: شکاف ثروت به طور بی سابقه‌ای در حال افزایش است: ثروت میلیاردرها در ۲۰۲۵ به رکورد حدود ۱۸.۳ تریلیون دلار رسید و با سرعتی بسیار بیشتر از گذشته رشد کرد .

همزمان، فقر گسترده باقی مانده: تقریباً نیمی از جمعیت جهان در فقر زندگی می‌کنند و بسیاری حتی غذای کافی ندارند .

نابرابری فقط اقتصادی نیست، بلکه به قدرت سیاسی هم منتقل شده: میلیاردرها هزاران برابر بیشتر از مردم عادی به قدرت سیاسی دسترسی دارند .

بخش بزرگی از ثروت ثروتمندان «کسب شده واقعی» نیست، بلکه از ارث، انحصار و روابط قدرت و مافیا و زد و بندهای انحصاری بدست می‌آید.

به نقل از نوشته اعظم بهرامی در صفحه ایکس



احضار حسن نظریان، فعال صنفی معلمان به دادگاه

بر اساس گزارش منتشره حسن نظریان، معلم اخراجی، به دادگاه احضار شده است.

طبق احضاریه صادر شده این فعال صنفی معلمان و عضو کانون صنفی معلمان گیلان باید در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ماه به دادگاه مراجعه کند.

در احضاریه ارسال شده، اتهام این فعال صنفی معلمان اخلال در نظم و آسایش عمومی و تمرد نسبت به مامورین درج شده است .



فزایش چند درصدی مواد غذایی در ۱۹ ماه

برنج ایرانی ۳۱۰ درصد

لوبیا چینی ۲۴۲ درصد

روغن نباتی جامد ۴۷۴ درصد

روغن مایع ۲۸۳ درصد



تجمع کارگران بیکار شده فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام مقابل اداره کل کار

گروهی از کارگران بیکار شده پروژه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام، با تجمع مقابل ساختمان اداره کل کار استان، خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود شدند.

یکی از کارگران بیکار شده پروژه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام به خبرنگار ایلنا گفت: از صبح روز گذشته تعدادی از کارگران بیکار شده پروژه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «جهانپارس» مشغول به کار هستند، با تجمع در مقابل ساختمان اداره کل کار استان، پیگیر وضعیت شغلی خود شدند.



«سبد معیشت» ۷۱ میلیون تومان شد/ حداقل دستمزد ۸۸ دلار / کارگران برای خرید نان و تخم مرغ هم مشکل دارند!



سبد معیشتی که در مذاکرات مزدی امسال محاسبه شد، چندان واقعی نبود اما دستمزد با همه مزایا حتی به ۶۰ درصد سبد معیشت ۴۵ میلیون تومانی هم نرسید. همان سبد غیرواقعی ۴۵ میلیون تومانی، همین امروز، به ۷۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «دلار امروز چند است»، این سوالی است که هر روز ذهن مردم متعلق به دهک‌های فرودست و متوسط را بدجور به خود مشغول می‌کند. مهاری برای تورم نیست و هر روز -دقیقاً هر روز- قیمت‌ها با یک جهش تازه مواجه می‌شوند؛ سبد خرید امروز «حتماً» گران‌تر از سبد خرید دیروز است.

سیزدهم اردیبهشت، نرخ دلار آمریکا، سقف ۱۸۶ هزار تومان را شکست و بعید نیست که قیمت دلار خیلی زود به مرز بی‌سابقه‌ی ۲۰۰ هزار تومان برسد؛ در عین حال، دیگر توصیف مناسبی برای قیمت‌ها در حوزه خوراکی‌ها و درمان یافت نمی‌شود؛ واژه‌ها و توصیفاتمانند «کمرشکن» یا «نجومی»، مدتی است که در دنیای عینی، معنای واقعی خود را از دست داده‌اند: هر دانه تخم مرغ ۲۰ هزار تومان یا بیشتر، هر کیلو برنج درجه دو ایرانی، ۴۰۰ هزار تومان و هر کیلو گوشت قرمز در بازار، بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان قیمت دارد.

در همین حین، ارزش واقعی دستمزد کارگران به پایین‌ترین میزان در دهه‌های اخیر سقوط کرده است؛ حداقل دستمزد به اضافه‌ی تمام مزایا، کمتر از ۱۰۰ دلار است، چیزی حدود ۸۸ دلار؛ و این معنایی ندارد جز اینکه کارگر ایرانی یک ماه در شرایط بحران و استرس زحمت می‌کشد و عرق می‌ریزد اما پایان ماه حتی ۱۰۰ دلار هم حقوق نمی‌گیرد! به راستی اگر یک دوره دیگر جنگ و بمباران اتفاق بیفتد، نمودارهای سقوط ارزش دستمزد و نرخ بیکاری کارگران، چه شکل و شمایلی پیدا می‌کند؟!

روایتی از شرایط سخت

«علی» کارگر بیکار شده‌ی یک شرکت تولیدی که بعد از جنگ ۱۲ روزه‌ی تابستان پارسال شغل خود را از دست داده، بهمن ماه به عنوان سرایدار در یک مجتمع مسکونی شمال شهر با حقوق ماهانه ۲۱ میلیون تومان استخدام شده؛ او که ساکن یاف‌آباد جنوبی و سرپرست یک خانواده‌ی سه نفره است؛ ماهی ۱۰ میلیون تومان کرایه خانه می‌دهد و چاله چوله‌های زندگی را با رانندگی اسنپ پُر می‌کند؛ خودش می‌گوید: «چاله‌های زندگی ما دیگر به هیچ وجه پُر نمی‌شود؛ دو ماه است گوشت قرمز نخورده‌ایم؛ دو ماه است با همسر سر مسائل مالی حرف نمی‌زنم؛ ما تا مرز طلاق پیش رفته‌ایم؛ فقط چیزی که ما را به عنوان یک «خانواده» کنار هم نگه داشته؛ پسر سه ساله‌ام است که از همین الان طعم محرومیت را می‌چشد؛ من برای این بچه نمی‌توانم مواد غذایی کافی بخرم. من شرمنده خانواده هستم.»....

این کارگر خسته که نایی برای صحبت کردن و بیان مشکلاتش ندارد؛ می‌گوید: صحبت از تورم و گرانی دیگر فایده ندارد، کلافه‌کننده است؛ ما ته چاه فقیریم؛ فقط با قرض و نسیه زنده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم ادامه بدهیم...

علی معتقد است اگر گشایشی ایجاد نشود، خانواده‌های بسیاری مثل خانواده کوچک و پریشان او، کاملاً از هم می‌پاشند. او تاکید می‌کند: «امثال ما آینده‌ای ندارند.»



واقعاً صحبت از گرانی و تورم، دیگر هیچ فایده‌ای ندارد؛ داده‌های میدانی و حتی اعداد رسمی، «اعجاب انگیز» و مبهوت‌کننده‌اند. کارگران و مزدبگیران نه تنها نمی‌توانند کرایه خانه و هزینه‌های درمان را تقبل کنند، بلکه توان خرید آن‌ها در حوزه خوراکی‌ها نیز به مرز صفر نزدیک شده؛ حذف شدن از لیست خرید، فقط محدود به کالاهای گران مثل آجیل یا گوشت قرمز نیست، کارگران دیگر استطاعت خرید برنج، مرغ و تخم مرغ را هم ندارند!

براساس داده‌های رسمی اعلامی، تورم نقطه به نقطه در فروردین ماه، به ۷۳.۵ درصد رسیده است؛ یعنی در فروردین امسال، مردم برای خرید یک مجموعه ثابت از کالاها و خدمات (که لزوماً همان سبد خرید متداول مردم نیست) باید ۷۳.۵ درصد بیش از فروردین سال قبل هزینه کنند؛ نرخ این شاخص تورمی، بی‌سابقه است و نشان از وضعیت هشدار دارد. در عین حال، نرخ تورم سالانه کشور در فروردین ماه ۱۴۰۵ برابر ۵۳.۷ درصد اعلام شده است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۵۲ درصد برای دهک دهم، تا ۵۸.۲ درصد برای دهک دوم است. بر این اساس، فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۶.۲ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۵.۰ واحد درصد) ۱.۲ واحد افزایش داشته است.

تورم سنگین سبد معیشت

در چنین شرایطی، باید پرسید سبد معیشت حداقلی کارگران که در نشست ۲۴ اسفند شورایی عالی کار، حدود ۴۵ میلیون تومان قیمت‌گذاری شد، امروز بعد از گذشت فقط ۴۰ روز از سال جدید به چه رقمی رسیده است؟

«فرامرزی توفیقی» فعال کارگری که محاسبات سبد معیشت را انجام می‌دهد؛ در پاسخ به این سوال به ایلنا می‌گوید: سبد معیشتی که در مذاکرات مزدی امسال محاسبه شد، چندان واقعی نبود اما دستمزد با همه مزایا حتی به ۶۰ درصد سبد معیشت ۴۵ میلیون تومانی هم نرسید. همان سبد غیرواقعی ۴۵ میلیون تومانی، همین امروز، به ۷۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده است؛ ما در محاسبه، همان فرمول‌های شورایی عالی کار را به کار بردیم و به این نتیجه رسیدیم که سبد معیشت در کمتر از دو ماه، ۷۸ درصد گران‌تر شده است.

این فعال کارگری ادامه داد: تورم سالانه اقلام خوراکی، براساس داده‌های رسمی، بین ۱۱۷ تا ۱۶۵ درصد است. عدد، عدد عجیب و غریبی است اما با این حال، داده‌های میدانی نشان می‌دهد که تورم واقعی خوراکی‌ها در عرض یکسال بیش از ۲۰۰ درصد بوده است. از سوی دیگر، قدرت پول، به شدت کاهش یافته. حداقل دستمزد ۱۴۰۴، حدود ۱۲۹ دلار بوده اما امروز با اعمال افزایش حقوق ۶۰ درصدی، حداقل دستمزد ۸۸ دلار است! این روند سرباز ایستادن هم ندارد. پیش‌بینی بانک جهانی، تورم ماهانه ۱۰ درصد است ولی اگر انسداد سیاسی و بحران ادامه یابد، انتهای امسال به تورم ۲۰۰ درصد می‌رسیم.

توفیقی تاکید می‌کند که شرایط معیشتی اصلاً مناسب نیست؛ افزایش حقوق‌ها اصلاً کافی نیست و روند سقوط ارزش پول، روندی مداوم و بدون توقف است...



کارگران نگرانند که همین اقلام ساده، همین نان و تخم مرغی که امروز خرید می‌کنند و سر سفره می‌آورند، هفته بعد گران‌تر شود و دیگر در دسترس‌شان نباشد؛ کارگران نگران‌اند که ادامه‌ی این شرایط، همه چیز را به سمت یک «ابریحان معیشتی» ببرد، سوء‌تغذیه گسترده، طلاق‌ها و ازهم‌پاشیدگی‌های فراوان و ناهنجاری‌هایی که فضای اجتماع را ناامن می‌کند، بخشی از عواقب این ابریحان است؛ اگر شرایط «تغییر» نکند، حداقل دستمزد آن‌چنان سقوط می‌کند که فقط به پرداخت کرایه خانه می‌رسد و نهایتاً خرید چند عدد نان خالی...

گزارش: نسرين هزاره مقدم

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>